

### عنوان: شب روشن

مربی کلاس رو با خواندن شعر زیر و با همخوانی بچه ها شروع می کند

می خوام برم پیش خدا تا بخونم نماز و دعا بسم الله بگم یا که نگم؟ {این قسمت را از بچه ها بخواهید تا بگویند} بگوبگو بگوبگو

میخوام یکم بازی کنم با بچه ها شادی کنم بسم الله بگم یا که نگم؟ بگوبگو بگوبگو

میخوام قرآن بخونم سوره فرقان بخونم بسم الله بگم یا که نگم؟ بگوبگو بگوبگو

میخوام پیوشم لباس تا برم کلاس بسم الله بگم یا که نگم؟ بگوبگو بگوبگو

بسم الله الرحمن الرحيم. بچه های عزیز سلام، حالتون خوبه، کیفیتون کوکه، خدارو شکر

ان شاء الله همیشه لباتون خندون، دلاتون شاد، کاراتون روراست باشه.

{در این قسمت مربی کارت های را تهیه کند به تعداد ۱۰ تا یا بیشتر یا کمتر و نعمت های خداوند رو روی اونها بنویسه و هرکدام را نشان می دهد و توضیحی می دهد این برای بیان عنوان کلاس است}



مربی میتواند به جای کارت روی تخته هم بنویسد و کلمات دیگر هم اضافه بکند و باید دقت شود که دو کارت شب و روزهای روشن حتما باشند که بتوانیم به عنوان درسمون برسیم

### بعد کارت ها را نشان داده و توضیح می دهیم:

#### ۱. میوه ها:

میوه های مختلف و رنگا رنگ و خوشمزه ، خدا به ما داده . بچه ها میتونید چندتا مثال بنزید از میوه ها و میوه های که تو شهر های شما تولید میشه . راستی بچه ها موقع خوردن میوه ها و هرچیز دیگه سعی کنیم کامل بخوریم نه اینکه طوری باشه که یه گاز بنزیم و بعد بندازیم دور که این کار خوبی نیست و اسراف است.

#### ۲. غذاها:

غذا ها هم یکی از نعمت ها خدا هست که مادرامون برامون درست می کنند و وقتی از مدرسه میریم غذا آماده است ما میخوریم راستی از مادراتون هم تشکر کنید بابت این زحمتی که می کشند

### ۳.شب:

شب هم یکی از نعمت های خوب و بزرگ خداست که وقتی توی طول روز خسته میشیم شبا می خوابیم و استراحت می کنیم.

### ۴.روزهای روشن:

مخالف شب همیشه روز که اگه روز هم نبود نمی تونستیم بیشتر کارهامون انجام بدیم ، گیاهان رشد نمی کردند ، درختان سبز نمیشد

### ۵.چشم:

اگه چشم نداشتیم چی میشد؟ نمی تونستیم زیبایی های دنیا رو ببینیم .دوستامون ببینیم. یا فکر کنید بجای اینکه دهن چشم بود و بجای چشم دهن چی میشد

### ۵.دست :

که با این دست هامون همه کارهامون انجام میدیم، مشق می نویسیم، غذا می خوریم و...

### ۶.پدر و مادر:

که خیلی باید قدرشون بدونیم ، احترام بزاریم بهشون ، گوش به حرف شون بدیم و...

### ۷.دوست خوب:

که همیشه به ما کمک می کنند ،همراهمون هستند،برای کارهای خوب تشویق مون می کنند

بعد مربی از بچه ها می پرسد که کوچک ترین و بلند ترین کلمات داخل کارت ها را بگویند، اگر کسی ندانست یکبار ئیگر کارت ها را سریع نشان می دهیم و بعد با راهنمای و کمک که کلمات را گفتند روی تخته می نوویسم و روز را حذف می کنیم که میشود شب روشن. که در موردش صحبت می کنیم.

### توضیح:

بچه ها مگه شب روشنه ،نه پس منظور از شب روشن شبی است که یک اتفاق مهمی افتاده است . مثل اتفاقی که در داستان ما افتاده:

### داستان:

آی قصه قصه قصه نون و پنیر و پسته

بچه ها زمان های قدیم بیمارستان و درمانگاه نبود ،برای همین نی نی ها توی خونه به دنیا می اومدن {راستی بچه ها کسی خواهر و برادر کوچیک تر داره} آفرین بچه ها تو نگهداری شون به مارداتون کمک کنید که زیاد شیطونی نکنند

اما داستان ما:

مشغول کارها بودیم که امام صدام زد و فرمودند به خانه عمه ام حکیمه خاتون برو و ایشون رو برای شام دعوت کن ، من هم آماده شدم و حرکت کردم سمت خانه خاتون ، خیلی خوشحال بودم چون حکیمه خاتون خانوم خوب و مهربانی بود و برخورد خوبی داشت برای همین همه دوستشان داشتند و بهشون احترام می گذاشتند.

تو همین فکرها بودم که دیدم رسیدم در خانه خاتون فوری در زدم و خدمتکار آمدن دم در وقتی دید خدمتکار امام حسن عسکری  $\equiv$  هستم مرا

دعوت کرد به داخل خانه من با خاتون سلام و احوال پرسی کردم

خانم پرسیدند اتفاقی افتاده گفتم نه امام شما را به شام دعوت کردند حضرت با خوشحالی قبول کردند و بعد از چند دقیقه رفتند و آماده شدند و با هم حرکت کردیم به سمت منزل امام اما وقتی رسیدیم و در زدیم امام عسگری خودشون به استقبال عمه شان آمدند و خیلی با محبت و مهربانی با یکدیگر صحبت می کردند بعد اینکه شام خوردیم حضرت به عمه شان فرمودند امشب را نزد ما بمانید که مهمان مهمی داریم خاتون پرسیدند این وقت شب چه کسی خواهد آمد ؟

امام فرمود نزدیکی های صبح فرزندم مهدی متولد خواهد شد عمه امام بسیار خوشحال شد و مشغول دعا و عبادت شدند که نزدیکی های صبح صدای کودکی آمد دویدم به اتاق حضرت نرجس خاتون دیدم یک بچه زیبا و نورانی به دنیا آمده و در بغل عمه امام هست .

آن شب احساس می کردم که تاریکی در میان نیست همه جا روشن و نورانی است آن شب روشن اصلاً از یادم نمی رود .

### بچه ها به نظرتان اون چه شیئی بود که امام زمان به دنیا آمدند ؟ ۱۵ شعبان

راستی بچه ها همه از به دنیا آمدن امام زمان خبر نداشتند چون آدمای بد می خواستند ایشان را دستگیر کرده و بکشند چون پیامبر فرموده بودند که امامی می آید که ظلم را از بین می برد و همه جا را پر از عدل می کند، برای همین حاکمان ظالم و بدکار به دنبال کشتن ایشان بودند به همین جهت تولد ایشان مخفی بودند و فقط دوستان خوب امام می دانستند .

مثل اینکه شما یک کار مهمی برایتان اتفاق افتاده باشد شما این را به بغل دستی تان یا دوست صمیمی تان می گوئید و به هر کسی نمی گوئید .

## بازی:

### امروز به بازی «دوست و دشمن» انجام بدیم

توی این بازی به بچه ها می گوئیم اگر اسم دوست یا کسانی را آوردیم که دوست امام زمان  $\equiv$  هستند مثل شما پدر و مادر، مسلمونا، بچه ها، معلم ها و.... باید دستتان را بیاورید جلو به حالت دست دادن و اگر اسم دشمن مثل آمریکا، شیطان، یزید، اسرائیل و انگلیس و... آوردم باید دست تون بیارید عقب و مشت کنید و اگر اسم امام زمان  $\equiv$  آوردم دستانتان روی سینه بگذارید.

مربی می‌تواند برای انتخاب بچه‌ها از داستان خودش سؤالاتی پرسد و در مورد دشمنان هم می‌تواند توضیحاتی بدهد مثلاً آمریکا دوست ندارد....

بعد از بازی برای آشنایی بیشتر بچه‌ها با امام زمان  $\equiv$  روی برگه‌ها ۴ یا ۵ اسم امام حسن عسکری، حضرت نرجس خاتون، عدد ۲۵۵، عدد ۱۵، حکیمه خاتون، عدد ۱۲ و سامرا را بنویسید و نشان بچه‌ها دهید و بگویید این‌ها چه ارتباطی با امام زمان  $\equiv$  دارند یا می‌توانید به جای نوشتن روی برگه روی تخته بنویسید و هم می‌توانید به جای اسم امام حسن عسکری  $\equiv$  و حضرت نرجس خاتون 3 بنویسید مادر امام زمان  $\equiv$  پدر امام زمان  $\equiv$  که بچه‌ها اسمشان را بگویند و یک توضیح کوچک بدهید.

## توضیحات

بچه‌ها امام حسن عسکری  $\equiv$  امام یازدهم ما هستند که پدر امام زمان  $\equiv$  می‌باشند

حضرت نرجس خاتون مادر بزرگوار امام بودند زنی مهربان و دوست داشتنی

حکیمه خاتون 3 دختر امام جواد  $\equiv$  و عمه امام حسن عسکری  $\equiv$  و زنی عالم و باسواد بودند

سامرا شهری که امام زمان  $\equiv$  آنجا متولد شدند و مزار امام حسن عسکری  $\equiv$  و امام هادی  $\equiv$  در این شهر در کشور عراق می‌باشد و معنایش این است شهری که هر کس آن را می‌دید خوشش می‌آمد

۲۵۵: سالی که امام به دنیا آمدند

۱۵: روز نیمه شعبان و روز تولد امام زمان  $\equiv$  که همه جا جشن می‌گیرند

۱۲: امام زمان  $\equiv$  امام دوازدهم ماست و تنها امام زنده است

## پایان

خوب بچه‌ها حالا که امام زمان  $\equiv$  و پدر و مادرشو شناختیم بیاید برای سلامتیش دعای سلامتی رو با هم بخونیم

بعد دعا مربی می‌تواند دعا بکند برای سلامتی امام و رهبری و بچه‌ها و همه مردم و بچه‌ها آمین بگویند.

## طرح درس دوم: دوست مهربان

بسم الله الرحمن الرحيم

سفرش اسلام است	عادت ما سلام است	خوش خوی و مهربانیم	ما پیرو قرآنیم
اول سلام گوئیم	به هر که روبروئیم	به خواهر و برادر	به پدر و به مادر
بهتر ز هر کلام است	نشاد دین سلام است	خیر و سعادت آرد	سلام عزت آرد

بچه‌های خوب و دوست داشتنی سلام بچه‌های زرنگ و سرحال سلام

حالتون خوبه امیدوارم همیشه سرحال و سرکیف باشید

### مقدمه

### حروف بهم ریخته

مربی در این قسمت با حروف به هم ریخته عنوان کلاس را می‌خواهد بیان بکند

کسی می‌تواند بحث کلاس را حدس بزند و حالا که نتوانستند می‌رویم سراغ اون

معرفی عنوان :

در این قسمت تعدادی حروف به هم ریخته روی تخته نوشته می‌شود یا روی برگه‌های کوچک چاپ می‌کنیم و روی تخته نصب می‌کنیم در این حال که دارید حروف را می‌نویسید به بچه‌ها توضیح می‌دهید

بچه‌ها ما روی تخته تعدادی حروف داریم می‌خواهیم با این‌ها و با کنار هم قرار دادن این حروف عنوان کلاس و موضوع آن را از بین این‌ها انتخاب بکنیم

## حروف : ن ا ر ب م ا ه م ا م

با کمک این حروف عنوان کلاس را پیدا بکنید

بچه‌ها در این قسمت تلاش خود را می‌کنند اگر نتوانستند شما راهنمایی می‌کنید مثلاً دو کلمه آن را می‌نویسید یا هر راهنمایی که توانستید

آفرین بچه‌ها موضوع کلاس ما در مورد **امام مهربان** هست

بچه‌ها امام از پدر و مادر هم مهربان‌تر برای ما هست. راستی ما چند تا امام داریم

در اینجا مربی همراه دانش آموزان تعداد امامان را می‌شمارند به این شکل که

مربی می‌گوید:

امام اول ..... شاگردان گوید: علی ≡

امام دوم .... حسن ≡

مربی همین‌گونه ادامه می‌دهد برای اینکه جذاب بشود از امام پنجم می‌رود سراغ امام هشتم تا هم حواس بچه‌ها را جمع بکند و هم شادی بیشتری ایجاد بشود بعد دوباره برمی‌گردد سر امام پنجم و تا امام دوازدهم ادامه می‌دهیم و اگر نیازی به توضیح هم بود توضیح بدهید

وقتی رسیدیم به امام رضا ≡ مربی می‌تواند تا داستان آهو و امام رضا ≡ را تعریف بکند [ما اینجا داستان پیامبر را تعریف می‌کنیم]

## بچه‌ها آماده‌اید:

### داستان پیامبر و کودکان

این قصه ما از زبان یک آقا پسر هم سن و سال شماست که در شهر مدینه زندگی می‌کرد وسط یکی از روزها بود داشتیم توی کوچه بازی می‌کردیم ۴ یا ۵ نفر از دوستانم هم بودند بازی ما به جای حساس رسیده بود که از دور دیدیم ک نفر به سمت ما می‌آید هر کدام حدسی زدیم گفتیم شاید پدر یکی از بچه‌هاست که آمده او را به خانه ببرد ولی اشتباه فکری کردیم چون وقتی رسید و نزدیک شد دیدیم پیامبر بود که برای نماز به مسجد می‌رفتند وقتی ایشان را دیدیم خوشحال شدیم چون پیامبر خیلی مهربان و دوست داشتنی بود و ما بچه‌ها را خیلی دوست داشت و با ما بازی می‌کرد حتی به کسانی که با بچه‌ها بد رفتاری می‌کردند می‌فرمود آنها را دوست داشته باشید وقتی که ایشان به کنار ما رسید به ما سلام داد و ما هم جواب سلام ایشان را دادیم (مربی در اینجا به کودکان متذکر می‌شود که همیشه کودکان باید زودتر سلام بکنند به بزرگ‌ترها ولی چون پیامبر همیشه در سلام سرعت می‌گرفت زودتر سلام می‌دادند)

ما از ایشان درخواست کردیم پیش ما بنشیند و بازی بکند پیامبر هم قبول کردند و کنار ما نشستند و از آن طرف هم مردم در مسجد منتظر پیامبر بود تا به مسجد بروند و نماز جماعت بخوابند چون پیامبر دیر کرده بود سلمان یکی از دوستان ایرانی پیامبر، آمدند دنبال ایشان تا ببینند چه اتفاقی افتاده وقتی سلمان آمد و پیامبر را دید به پیامبر گفت یا رسول الله همه منتظر شما هستند پیامبر فرمود ای سلمان به منزل دخترم برو و از او برای بچه‌ها چیزی بگیر سلمان رفت و ما باز مشغول بازی با ایشان شدیم و بعد از مدتی سلمان با چند گردو برگشت وقتی گردوها را دیدیم دیگر مشغول آنها شدیم و پیامبر برای نماز

راهی مسجد شد برای هیچ زمانی شیرینی آن بازی از ذهنم بیرون نمی رود بچه ها حالا بگید بینم اسم پیامبر ما چی بود آفرین حضرت محمد ﷺ . راستی اسم امام زمان عجل الله تعالی فرجه هم همنام و هم اسم پیامبر هست و مثل ایشان مهربان هستند و همه رو مخصوصاً بچه ها رو دوست دارند و مراقب بچه ها هستند

## بازی نقاشی چشم بسته

مربی بچه ها را دو به دو یا تنهایی می آورد پای تخته و از ایشان می خواهد چشم هایشان را ببندند یا اگر دستمالی داشتند چشمشان را ببندد و از آنها بخواهد یک نقاشی بکشد مثلاً خانه ای، درختی، گلی یا هر چیز دیگری، که معمولاً نمی توانند درست بکشند و موجب شادی و خنده می شود .

### مربی:

بچه ها دیدید چشم بسته نمی شود کاری کرد حتی نقاشی هم چشم بسته خراب می شود ولی اگر به همین صورت که چشمتان را بسته اند کسی دستتان را می گرفت نقاشی می کشیدید نقاشی درست بود و خراب نمی شد

تو این دنیا هم ما اگر راهنمایی نداشته باشیم احتمال خطرهای زیادی هست و امام مثل آن راهنما در این دنیا هوای ما رو داره درسته ما ایشان را نمی بینیم ولی ایشان یواشکی دست ما را می گیرد مثل بچه ای که سوار سه چرخه شده پدر از پشت هول می دهد و هدایتش می کند ولی بچه فکر می کند که خودش حرکت می کند.

## راز گلها

بچه ها چند تا سؤال پرسیم ببینیم امام غیر از اینکه مهربان هست ،کمکمون می کنه،دیگه چه ویژگی های داره.

در اینجا مربی که حدیث از امام رضا علیه السلام روی تخته می نویسد و قسمتی از آن را خالی می گذارد تا به وسیله پرسش **راز گلها** پیدا بکند و حدیث را تکمیل بکند

امام رضا علیه السلام می فرماید: امام..... خوب برای شما است.

بچه ها برای پیدا کردن جای خالی باید به سؤالات زیر جواب بدهیم:

۱. اسم امام نهم ما چیست ؟ جواد علیه السلام

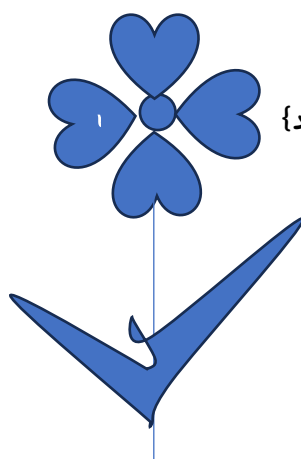
۲. درختی که نماد سربلندی و پیروزی است ؟ سرو

۳. اسم مادر امام زمان علیه السلام چیست ؟ نرگس علیه السلام

۴. اسم سوره ای که به اسم یک حشره است ؟ عنکبوت .

بعد از این به آنها می‌گوییم آخر جواب‌ها را به ترتیب کنار هم قرار بدهید تا جواب به دست بیاید .

(جواب: دوست )



{هرکدام از جواب‌ها را در داخل یکی از این گل‌ها قرار می‌دهید}

بعد از تکمیل حدیث مربی توضیحاتی در مورد آن می‌دهد:

بچه‌ها امام غیر از اینکه مهربان هست دوست خوبی هم برای ماست البته بچه‌ها حواسمان باید باشد هر کسی را به عنوان دوست انتخاب نکنیم چون برخی دوست خوب نیستند و اصلاً نباید به آنها دوست بشویم. مثل کی؟

آفرین مثل دوستانی که ما را تشویق به انجام کارهای بد می‌کنند یا ما را تشویق به دعوا کردن با دیگران می‌کنند یا کسانی که به پدر و مادرشان احترام نمی‌گذارند یا کسانی که درسشان را نمی‌خوانند و به حرف معلم گوش نمی‌دهند

البته گاهی بعضی از بچه‌ها درسشان ضعیف است. این‌ها را باید ما کمک بکنیم تا قوی بشوند. دیگه: مثل کسانی که دیگران را اذیت می‌کنند مثل آمریکا و اسرائیل که مظلومان را اذیت می‌کنند بچه‌های فلسطینی را می‌کشند ....

در عوض باید با کسانی دوست بشویم که: درس‌هایشان را می‌خوانند به حرف بزرگترها گوش می‌دهند نمازهایشان را به موقع می‌خوانند بقیه را اذیت نمی‌کنند البته ما هم باید اینگونه باشیم که دیگران هم با ما دوست بشود

**جمع بندی:**

بچه‌ها امروز ما یاد گرفتیم که امام، هم مهربان و هم دوست خوب ماست و همیشه برای ما دعا می‌کند و حواسش به ما هست

حالا که ایشان حواسش به ما هست بیایید با هم عهدی ببندیم بیایید به امام مهربانمان بگوییم **ما عهد می‌بندیم با شما**

**که همیشه برای آمدنتان دعا بکنیم و برای اینکه شما از دست ما راضی باشید به حرف پدر و مادر و معلمان**

**گوش می‌دهیم** حالا برای سلامتی خودتون و خانواده‌هاتون و سلامتی امام مهربان به صلوات بفرستیم

اللهم صل على محمد و آل بيت احمد



## طرح درس سوم: چشم به راه

فلک جنبش زمین آرام از او یافت

به نام آنکه هستی نام از او یافت

به نام خداوند بخشنده مهربان

عزیزان و نوجوانان سلام حالتون خوبه خدا را شکر خیلی خوشحالم که کنار شما هستم و می‌خواهیم دقایقی کنار هم باشیم اما قبل از شروع بحث می‌خواهم نظرات خود را نسبت به یک سؤال بیان بکنید .

فرض کنید خانواده پدرتان یا پدر و مادر با هم به مسافرتی رفتند مثلاً کربلا یا حج و قرار است ۱۰ روز دیگر از سفر برگردد روز دهم تماس می‌گیرند و می‌گویند ما در راهیم و داریم می‌آییم شما چه کار انجام می‌دهید؟؟

آفرین همه خانه را جمع و جور می‌کنیم حیات را جارو می‌کنیم شیرینی می‌گیریم و غیره کارهای دیگه تا وقتی پدر و مادر آمدند همه چیز آماده و مرتب باشد

مربی در اینجا نظر بچه‌ها را هم می‌پرسد

اما امروز هم امام زمان عجله الله فرجه ما ، رهبر ما ، پدر معنوی ما ، غایب هستند و در واقع یک نوعی به سفر رفتند ما هم چشم به راه آمدنشان هستیم .

پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید بهترین و بالاترین اعمال امت من انتظار فرج است

اما منظور از انتظار چیست آیا منظورشان انتظار خالی است (در اینجا نظر بچه‌ها رو هم می‌پرسیم) آفرین منظورتون انتظار خالی نیست .

ما دو گونه انتظار داریم:

یک انتظار منفعلانه همونطور یکجا می‌نشیند و کاری نمی‌کند مثلاً خانه را تمیز نمی‌کند وسایل نمی‌گیرد این می‌شود منتظر و انتظار منفعلانه

دوم انتظار فعال که می‌بیند وظیفه‌اش چیست چه کاری باید انجام بدهد و چه کار بکند امام زودتر تشریف می‌آورد .

## داستان شهید حسین علم الهدی

بچه‌ها حسین داستان ما همسن شما بود ۱۶ سال داشت ساواک به خاطر پخش اعلامیه‌های امام و راهپیمایی، حسین رو دستگیر کرده بود و رئیس ساواک برای اینکه بهش بفهماند دنیا دست کیست و دیگر چنین کاری انجام ندهد به رئیس زندان گفت این بچه را بندها جایی که از کارش پشیمان بشود رئیس زندان فکر کرد اگر در سلول بزهکاران بندها خوب است پس حسین را برد و انداخت داخل سلول جوان‌هایی که دزدی کرده بودند وقتی حسین را بردند آنجا همه به مسخره به او می‌گفتند بچه با چه کسی دعوا کرده‌ای؟

ولی حسین هیچ حرفی نمی‌زد چند روز گذشت سربازای زندان دیدن حسین و چند نفر دیگر دارند نماز می‌خوانند برایشان چیز مهمی نبود ولی بعد چند روز متوجه شدند کل سلول را متحول کرده و کلاس قرآن برایشان گذاشته و حسین امام جماعت می‌شود و نماز می‌خوانند.

به رئیس زندان گزارش دادند رئیس زندان آمد و دید و حسین را با ضرب و شتم از آن سلول برد جای دیگر انداخت. در اینجا قبل از بیان فامیلی شهید،

مربی از بچه‌ها فامیلی شهید را می‌پرسد تا آنها حدس بزنند اگر نتوانستند خودش اسم و فامیل شهید را بیان می‌کند و اگر توانست یک عکس هم از شهید به سر کلاس می‌برد.

انتظار فعال یعنی این به هیچکی نمیگه به من چه به من مربوط نیست بلکه می‌بیند وظیفه‌اش چیست که انجام بدهد و ظهور نزدیکتر بشود.

## بازی

بازی تکرار جملات سخت

خدایا یادم بده یادم باشه یادش کنم

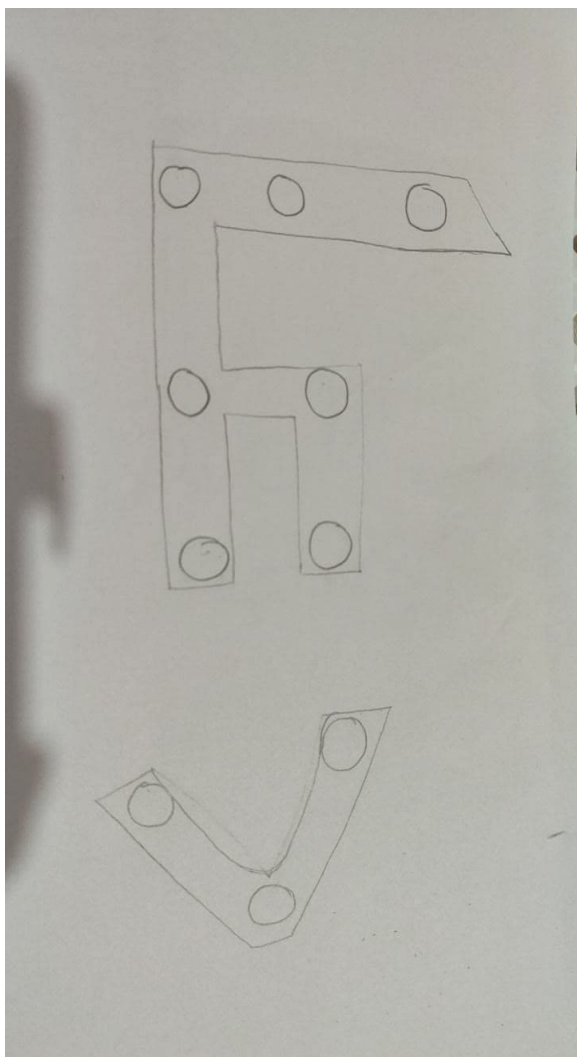
دستم در دبه بود دبه درش دستم بود

راز دایره‌ها

بعد از آن بازی راز دایره‌ها را انجام می‌دهیم

سؤالات

۱. کاری که هر روز انجام می‌دهیم و از هر طرف بخوانیم همان است؟ وضو



۲. کسی که به دیگران بدی و اذیت می‌کند چه می‌گویند؟ ظالم
۳. دشمن اصلی مسلمانان در قرآن چه کسی معرفی شده؟ یهود
۴. یکی از سوره‌های قرآن که به نام بزرگترین جانور خشکی است؟ فیل
۵. پرنده پیغام رسان حضرت سلیمان علیه السلام چه نام دارد؟ هدهد
۶. ماه ولادت امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام چه ماهی است؟ شعبان
۷. پیامبری که بیشترین عمر را کرده است؟ نوح علیه السلام
۸. پایتخت صنعتی ایران چه شهری است؟ اراک
۹. عملی که انجامش یک ثواب اما جوابش ۶۹ ثواب دارد؟ سلام
۱۰. اولین مرد شهید اسلام چه کسی است؟ یاسر

رمز: وظیفه شناسی

یکی از وظایف ما دعا کردن برای ظهور امام زمان علیه السلام است و دعا یک نمونه به یاد امام زمان علیه السلام بودن هست و دعا هم انواع مختلف دارد یک بار بعد نماز می‌خواهیم برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا بکنیم و یک بار دعاهایی که امامان به ما سفارش کرده‌اند را می‌خوانیم مثل دعای سلام سلامتی امام زمان علیه السلام یا دعای عهد که در روایات می‌فرماید هر کس چهل روز این دعا را بخواند از اصحاب امام زمان علیه السلام می‌شود اما خواندن تنها کفایت نمی‌کند بلکه باید به آن دعا عمل کرد تا بتوان جزو اصحاب آن امام شد

در روایات برای دعا کردن زمان‌های مختلفی بیان شده که زمان مناسبی برای دعا هستند ۱- زمان اذان ۲- زمان باریدن باران ۳- شب نیمه شعبان که سعی کنیم در این مواقع برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا بکنیم .

## وظیفه شناسی

یکی دیگر از کارهایی که منتظران فعال انجام باید بدهند وظیفه شناسی است یعنی باید بدانیم در چه زمانی و در چه مکانی چه کاری را انجام بدهیم یا چه حرفی بزنیم یا چه حرفی را نزنیم در کل باید بدانیم تکلیفمان در هر موقعیتی چیست و چه کاری را باید انجام بدهیم

وقتی وظیفه خودمان را دانستیم دیگر معطل نمی مانیم وظیفه مان انجام می دهیم

و هیچ کجا برایم فرقی ندارد هر جا باشم کار می کنم برای ظهور با هر طریق مختلف در مدرسه به گونه ای مثلاً بچه ها را دعوت به نماز خواندن می کنم آنها را با امام زمان ع آشنا می کنم یا در محله به گونه های مختلف مثلاً پرچمی را در نیمه شعبان به در خانه مان به یاد امام زمان ع نصب می کنم یا جشنی را در محله به صورت ساده برگزار می کنم

**مثل شهید علم الهدی که در هر کجا وظیفه خود را تشخیص می داد حتی در زندان،**

یکی از شهدای هسته ای ما به نام شهید احمدی روشن در دیداری که با رهبری داشتند از ایشان می پرسند وظیفه ما چیست؟ ما چه کاری انجام بدهیم ایشان (امام زمان ع) از ما راضی می شوند رهبری می فرماید اگر شما در هر شغل و منصبی باشید به آن کار خود خوب انجام وظیفه بکنید و آن کار را خوب انجام بدهید امام قطعاً از شما راضی خواهند بود .

## بازی نوشتن بی نقطه

در این قسمت دو نفر از دانش آموزان را پای تخته آورده و تخته را به دو قسمت تقسیم می کنیم و یک متن را می خوانیم تا آنها بدون نقطه آن را بنویسند و در آخر هر کدام که بیشتر نقطه گذاشته باشد شکست خورده است .

**متن مسابقه :** امام زمان ع در نیمه شعبان دویست و پنجاه و پنج هجری قمری در شهر سامرا به دنیا آمدند

امام زمان ع تشکر کردن از دیگران را دوست دارند

و جلسه را با جمع بندی به پایان می رسانید .

## طرح درس چهارم: پروانه شو

به نام خداوند رنگین کمان	خداوند بخشنده ی مهربان
خداوند سنجاقک رنگ رنگ	خداوند پروانه های قشنگ
خدایی که آب و هوا آفرید	درخت و گل و سبزه را آفرید

بچه ها سلام (مربی: یکم بلندتر) بچه ها سلام! حالتون خوبه؟ کیفیتون کوکه؟ لبا خندونه؟ آماده اید؟ بله معدلا؟ ۲۰۲۰ نمره من؟ ۲۰۲۰ نمره شما؟ ۲۰۲۰ نمره دعا؟ ۲۰۲۰ نمره کمک؟ ۲۰۲۰ نمره کلک؟ ۲۰۲۰

{در جواب نمره کلک گفتن ۲۰۲۰ مربی می گوید حواستان نیستا نمره کلک . هست کارای بد نمره شون صفره این کارهای خوبه که کارهاشون ۲۰ هست و باید حواسمون باشه شیطوون کلک مون نزنه که کارهای بد رو برامون ۲۰ نشون بده.}

امروز می خواهیم در مورد یک موضوع صحبت بکنیم، اما می خواهیم موضوع را حدس بزیم. (بچه ها چند تا حدس می زنند) اگر درست نبود، از تخته هوایی یا نامرئی استفاده می کنیم و پروانه شو را داخل آن می نویسیم . باز اگر نشد سؤال می پرسیم.

سوال: توی شعر اول که خوندیم اسم چه حیوانات یا حشراتی بود؟ (اگر نتوانستند دوباره بخوان) آفرین سنجاقک و پروانه

موضوع: پروانه شو است. (مثل پروانه)

عکسی از پروانه روی تخته بزیند و ویژگی های پروانه ها رو بگید.

به کمک بچه ها ۱. دنیای ما رو زیبا می کنند ۲. خودشان زیبا هستند ۳. گرده ها را از گیاهی به گیاهی دیگر منتقل می کنند ۴. به سمت زیبایی می روند

### داستان: ، قفل ساز در بازار

پیرزنی ناتوان و قد خمیده ، عصا زنان آمده و با دست لرزان قفلی را نشان داد و گفت: «برای رضای خدا این قفل را به مبلغ سی تومان از من بخرید. من سی تومان پول نیاز دارم.

پیرمرد با کمال سادگی گفت: «این قفل ۴۰ تومن ارزش دارد، من آن را به ۱۰۰ تومن می خرم چون انصاف نیست که این را به کمتر بخرم.

پیرزن با ناباوری گفت: «من التماس کرده ام اما هیچ کس راضی نشد این قفل را به ۳۰ تومن از من خریداری کند.»

سرانجام پیرمرد ۱۰۰ تومن پول به آن زن داد و قفل را خرید هنگامی که پیرزن رفت امام عصر  $\equiv$  به من فرمود: «آقای عزیز! دیدی؟ اینطور باشید تا ما به سراغ شما بیاییم. چله نشینی لازم نیست، علم جفر سودی ندارد، علم سالم داشته باشید و مسلمان باشید.

در تمام این شهر من این پیرمرد را انتخاب کرده ام چون دین دارد و خدا را می شناسد، هفته ای بر او نمی گذرد مگر اینکه من به سراغ او می آیم و از او دلجویی و احوال پرسی می کنم

و شما اگر اینگونه باشید ما خودمان به سراغ و به سمت شما می آییم

بچه ها ما اگر به وظیفه خودمون عمل بکنیم . واجبات مون انجام بدیم و از کارهای بد دوری بکنیم امام از ما راضی میشود و دلشان شاد می شود.

البته یکی از کارها مون دعا برای ظهور امام زمان  $\equiv$  است .

حالا بیاید باهم اون لحظات مهمی که دعا مستجاب می شود رو بشناسیم

## بازی:

می توانیم بازی لحظات ناب باهاشون بازی بکنیم

در این بازی چند نفر را انتخاب می کنیم و بازی به این شکل است که ما گفتیم باران بچه ها دست را رو بجلو و به حالت ابر نگی می دارند. اذان گفتیم دست ها بصورت و حالت تکبیره الاحرام و قنوت هم گفتیم دست ها به دست قنوت باید بگیرند و اینها را بصورت تند می گوئید و کلمات بی ربط هم گاهی استفاده می کند تا حواسشان جمع باشد.

در اینجا میتوانیم درمورد یکی از وظایفان منتظر هم صحبت بکنیم

بچه ها یکی از کارهای که ما میتوانیم انجام بدهیم دعا برای ظهور امام زمان  $\equiv$  است و در روایات امامان ما می فرمایند برای تعجیل و ظهور امام زمان  $\equiv$  دعا کنید.

## راز دایره‌ها: زینت

۱. نام دختر پیامبر / یا / امام زمان الگوشون چه کسی است؟ حضرت زهرا سلام الله علیها

۲. قلب قرآن کدام سوره است؟ سوره یس

۳. مادر امام زمان علیها السلام کیست؟ حضرت نرجس خاتون

۴. اول شهر تهران چیست؟ ت

۵. همه مردم و ادیان منتظرش هستند؟ منجی

۶. پیشوا؟ امام

### توضیح:

چون موضوع « پروانه شو » بود اینجا اشاره به حدیث امام صادق علیه السلام می‌کنیم که فرمودند: « مایه زینت ما باشید نه سرافکنندگی ».

بعد نسبت به ویژگی‌های پروانه که گفته بودیم؛ الان از بچه‌ها می‌پرسیم، برای اینکه ما هم مثل پروانه شویم و یار و دوست امام شویم باید چیکار کنیم؟

گفتیم پروانه زیبا است پس ما هم باید مرتب باشیم و کارهای مون مرتب و با نظم انجام بدهیم.

بسمت زیبایی‌ها می‌رود پس ما هم سعی بکنیم که به سمت افراد خوب بریم یا بقیه رو بسمت خوبی‌ها دعوت بکنیم

طوری باشیم که بقیه همیشه دوست داشته باشند با ما باشند چرا؟ چون مثلاً اخلاق ما خوب هست، رفتارمون خوب باشه هرکس ما رو دید خوششون بیاد.

اگر مقطع ابتدایی بود مواردی رو روی کاغذ نوشته و روی تخته به صورت پراکنده بنویسیم. هم از کارها خوب و هم از کارهای بد، ازشون نظرخواهی بکنیم. در مورد هر کدام توضیح بدهید؛ مثلاً: خوب درس بخونیم، به پدر و مادر احترام بگذاریم، نماز بخونیم، کلاس نیاییم، به حرف معلم گوش ندهیم، دعوا کنیم اگر مقاطع بالاتر بود این مواردی که خواهد آمد را روی کاغذ چاپ کنیم و نشون بدیم.

## بازی عکاس شو

اینجا مربی دو نفر می آورد و می گوید اگر کارهای خوب را نام بردم عکس بگیرید و صدای فلش در می آورید و اگر کارهای بد را گفتم نباید عکس بگیری و اگر عکس بگیرند می سوزند.

پایان

در اینجا به بچه ها بگوییم بروند و از پدرومادرانشان پرسند یا از معلمانشان پرسند که چه کاری کنند تا مایه زینت اهلیت علیهم السلام شوند.



## طرح درس پنجم : سکوی پرواز

مربی کلاس را با این شعر شروع می کند

به نام خداوند مهربان حافظ و دوست دار کودکان

به نام آنکه گل را رنگ و بو داد ز شبنم لاله ها را آبرو داد

دوستان عزیز یاران امام زمان علیه السلام سلام

حالتون خوبه / کیفیتون کوکه / خدارو شکر

### مقدمه

بچه ها میخوام به سؤال پیرسم هرکس بلد بود دست شو بالا بگیره

سؤال : آن چیست که هم فرودگاه دارد و هم داروخانه؟

آفرین باند

هوا پیما برای پرواز و فرود به مکان مناسبی به نام باند نیاز داره که بتونه روی اون حرکت کنه و بعد اوج بگیره و بره آسمون یا هنگام فرود اومدن روش بشینه و مقداری حرکت بکنه تا از سرعتش کاسته بشود.

اما ما انسان ها هم به باند پرواز می خوایم که بوسیله اون اوج بگیریم و به آسمون بریم

بنظرتون اون باند چیه؟

برای پیدا کردن جوابش بیاید به راز دایره ها حل بکنیم تا جوابش به دست بیاد:

### رازه دایره ها

سؤالات

مایعی که پاک کننده است؟ آب

نام عمه امام حسن عسکری علیه السلام چیست؟ حکیمه خاتون علیه السلام

یکی از القاب پیامبر به معنای ستوده تر است؟ احمد صلی الله علیه و آله و سلم

نام خواهر امام رضا علیه السلام در قم چیست؟ حضرت معصومه علیه السلام

پیروزی انقلاب اسلامی در چه ماهی اتفاق افتاد؟ بهمن

پرنده پیغام رسان حضرت سلیمان چه نام داشت؟ هدهد

زن شاعر ایرانی کیست؟ پروین

کسی که فوتبال را قضاوت می کند؟ داور

یکی از صفات خداوند به معنای بخشنده؟ رحمن

اولی که هر روز ما مسلمانان انجام می دهیم و از هر طرف بخوانی همان می شود؟ وضو

تنها اسم زن که در قرآن آمده؟ حضرت مریم علیها السلام

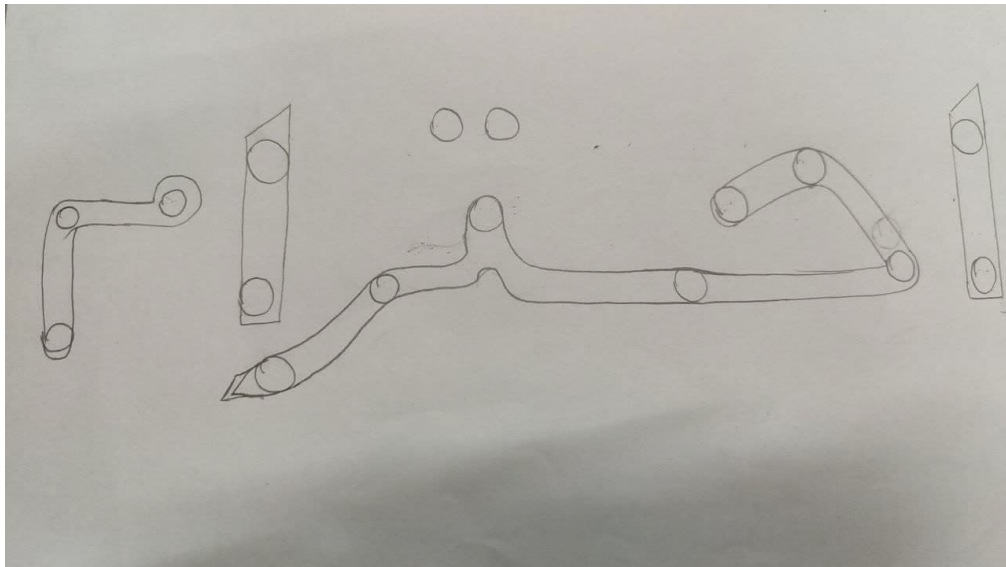
پیامبری که آتش بر او سرد شد؟ ابراهیم علیه السلام

به درخواست از خدا می گویند؟ دعا

ماهی که حتی در آن خواب و نفس کشیدن عبادت است؟ رمضان

راز اول : احترام

راز دوم: احترام به پدر و مادر



احترام به همه خوبه چون یکی از اخلاق یاران امام زمان  $\equiv$  احترام به دیگران است اما در بین همه احترام به برخی خیلی مهم است و بهش سفارش هم شده است مثل احترام به پدر و مادر که هم قرآن کریم و هم امامان ما فرموده اند که به پدر و مادرتون احترام بزارید

ما هم میتوانیم از راه های مختلفی به آنها احترام بگذاریم

مثلا سلام کرد یک نوع احترام گذاشتن به آنها می باشد

یا اینکه به حرفشان گوش بکنیم و بهانه نیاوریم .

مثلا مادر گفت بیا برو نون بگیر یا بیا برو مغازه بهانه درس داشتن را نکنیم و بلافاصله برویم کار ایشان را انجام بدهیم و بعد دوباره بیایم ادامه درسمان را مطالعه بکنیم

یا نه پدر دارد کاری انجام میدهد ما هم در اتمام آن کار ایشان را همراهی کنیم. اینها نوعی احترام گذاشتن است.

## بازی جملات بهم ریخته

در اینجا جملات یا احادیث کوتاهی را آماده می کنیم و در کلاس روی تخته می نویسیم و بچه ها باید آن را تکمیل کنند

۱. پیامبر می فرمایند: برترین اعمال امت من انتظار فرج است.

۲. امام زمان: برای تعجیل در ظهور من بسیار دعا کنید

«دنکیمن لو بق ارشزا من دنوا دخ دنک ها گن شردام و رد پ هب مشخ یورزا سکره»

وای خدا این دیگه چه زبونی! سرخپوستیه؟ هندیه؟ آفریقاییه؟ .... نه بچه ها! فقط رمزیه. کی می تونه بخونه؟

آفرین بله درسته: باید از آخر به اول خونند: پیغمبر اسلام (ص) می فرمایند:

«هر کس از روی خشم به پدر و مادرش نگاه کند خداوند نمازش را قبول نمیکند»

## داستان

یکی از شهدایی که سال ۱۴۰۲ شهید شدند، مادرشان می گوید خیلی پسر مهربانی بود و به همه برادر و خواهر هایش احترام می گذاشت و حرف آنها را زمین نمی انداخت.

میگوید خیلی هوای من و پدرش را داشت وقتی از بیرون می آمدم سریع بلند میشد جلوی پای من و پدرش.

همیشه دست و پای ما را می بوسید.

بخاطر همین خدا اینقدر بهش عزت داد اینقدر اسمشو پراوازه و بلند کرد که همه جا اسمشو با احترام می آورند

در میان تمام گوهرهای گرانبهای هستی، چیز ارزشمندتر از عشق و فداکاری پدر و مادر نیست. آنان، فرشته‌های بی بال و پر دنیای ما هستند که با جان و دل، ما را در دامان پر مهر خود پرورش می دهند و برای خوشبختی و سعادت‌مان، از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند.

احترام به پدر و مادر، نه تنها یک وظیفه انسانی، بلکه واجبی دینی و الهی است. در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) بارها بر احترام به والدین تأکید شده است و آن را از مهم ترین عبادات الهی دانسته اند.

پدر و مادر صلاح تو را می خواهند. ممکن است تصورات تو را نداشته باشند، ممکن است امروزی فکر نکنند و در جریان خیلی از اتفاقاتی که روندشان تغییر کرده نباشند اما یادت باشد آنها شایسته بی احترامی نیستند. آنها با همان شیوه و منش خود سعی دارند که تو را راهنمایی کرده و در مسیر درست قرار دهند. حتی اگر مسیری که به تو معرفی کردند صد در صد اشتباه بود، در نهایت بدان که خواسته شان خیریت و سعادت برای تو بوده و اگر بخواهی جواب آنها را به بدی بدهی، ناجوانمردانه ترین کار ممکن را در حق شان تمام کرده ای